

پشت پرده جنگ ناتو در افغانستان و پاکستان

Lühr Henken - مترجم: ناهید جعفرپور

• در هر حال ناتو به نقشه های خود در افغانستان چسبیده است و با وجود اینکه طبق تحلیل خود ناتو آنها از ۲۵٪ موفقیت برخوردار بوده اند اما در حال حاضر حمله بزرگی به منطقه زیر سلطه طالبان در قندهار تدارک می کنند. قندهار با سکنه ای در حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر دومین شهر بزرگ افغانستان است. در این حمله یا یک قتل عام وحشتناک می شود و یا طالبان ها بیرون می شوند و یا مخلوطی از هر دو ...

اخبار روز: www.akhbar-rooz.com

در حالی که سیاستمداران از موفقیت در جنگ علیه طالبان دم می زنند، ساختمان نظامی و غیر نظامی منطقه در بن بستی غیر قابل اصلاح گرفتار شده است.

جمله ای عاقلانه آسیائی وجود دارد که می گوید " اگر خدا بخواهد ملتی را مجازات کند در این صورت آنان را در افغانستان فرو می ریزد". قدرت استعماری انگلستان هیچ گاه موفق نشد بر افغانستان تسلط یابد. آنها می بایست شکست های بسیاری را تجربه کنند. ۱۸۴۲ برای بریتانیائی ها بطوری خاص تیره بود. تئودور فونتانه این شکست را در شعر " نمایش حزن انگیز افغانستان" توصیف نموده است. حمله با سیزده هزار نفر آغاز شد و تنها یکنفر از افغانستان به خانه باز گشت. در واقعیت افغانی ها تنها دکتر ویلیام بریدون را زنده گذاشتند تا وی بتواند در برگشت به خانه از نفرت افغانها گزارش دهد. این در واقع بزرگترین شکست تاریخ استعماری بریتانیا است. همچنین ۱۸۸۰ بریتانیائی ها دومین شکست خویش را در جنگ مایوند نزدیک قندهار تجربه نمودند. ۱۹۱۹ سومین جنگ آنگلو/افغانستان رخ داد که در آن بریتانیا

افغانستان را ترک نمود و افغانستان به استقلال رسید. از این هاله مغلوب نشده تا به امروز هم قدرت مبارزاتی پشتوها تغذیه می شود. همچنین شوروی هم در سال های ۸۰ این مسئله را لمس نمود. در حال حاضر در حدود ۱۱۰۰۰۰ سرباز خارجی تحت فرمان ناتو و یا بهر بگوئیم در فضای عملیات برهبری آمریکا با نام " پیام آوران صلح" در افغانستان بسر می برند و تا اواسط امسال به ۱۵۰۰۰۰ نفر خواهند رسید. شوروی در آنزمان ۱۲۰۰۰۰ سرباز در افغانستان داشت. آنزمان هم تعداد سربازان مرتبا رشد می کرد. در آغاز ۱۹۷۹ در حدود ۸۷۰۰۰ هزار و در پایان در سال ۱۹۸۹ در حدود ۳۳۰۰۰۰ هزار نفر. افزون بر این تعداد ۱۵۰۰۰۰ هزار شبه نظامی هم در جانب دولت وجود داشت که مجموعه ۶۰۰۰۰۰ هزار سرباز و شبه نظامی می شد. ناتو هم همچنین تلاش می کند این نظم را برقرار کند.

در جنگ آنزمانی تا ۳،۱ میلیون افغانی کشته شدند آیا این جنگ هم پایانی آنچنانی خواهد داشت؟ در هر حال ناتو به نقشه های خود در افغانستان چسبیده است و با وجود اینکه طبق تحلیل خود ناتو آنها از ۲۵٪ موفقیت برخوردار بوده اند اما در حال حاضر حمله بزرگی به منطقه زیر سلطه طالبان در قندهار تدارک می کنند. قندهار با سکنه ای در حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر دومین شهر بزرگ افغانستان است. در این حمله یا یک قتل عام وحشتناک می شود و یا طالبان ها بیرون می شوند و یا مخلوطی از هر دو. در هر حال دولت آمریکا عجله دارد چون در ماه نوامبر انتخابات دارد و یک سوم پست سناتورها از نو انتخاب می شوند. رئیس جمهور اوباما و دمکرات هایش طبق همه بررسی اخیردر حالت دفاعی قرار دارند.

آیا تا آنزمان موفقیتی نصیب آنها خواهد شد؟ یک تحقیق انستیتوی مستقل بریتانیایی "ایکوس" در سال ۲۰۰۸ بر این مسئله اشاره می کند که مقاومت نظامی ۷۲ درصد سرزمین افغانستان را در بر گرفته است در حالیکه در سال قبلش ۵۴ درصد بوده و سال ۲۰۰۹ به ۸۰ درصد می رسد. آنچه غمناک است رشد تعداد انفجارات از ۸۲ حمله انفجاری در سال ۲۰۰۳ به ۸۱۵۹ حمله انفجاری در سال گذشته می باشد.

همچنین تعداد کشته شدگان نیروهای اشغالگر از ۵۷ نفر سال ۲۰۰۳ به ۵۲۰ نفر در سال ۲۰۰۹ و همچنین تعداد غیرنظامیان کشته شده در سه سال گذشته طبق آمار سازمان ملل متحد دوبرابر گشته است. (۲۴۱۲)

این توسعه برای آمریکا ضرورت تغییر استراتژی را بدنبال داشت و برای جلوگیری از شکست در جنگ میبایست رویه تا کنونی را تغییر دهد. در دستور عمل نظامی ارتش آمریکا برای مبارزه با مقاومت مردم افغانستان بنام:

FM ۳-۲۴ Counterinsurgency

آمده است که برای شکست مقاومت هر ۱۰۰۰ سکنه ۲۰ تا ۲۵ نیروی امنیتی ضروری است. روزنامه فرانکفورتر آگماینه می نویسد که در افغانستان بین ۵۷۰۰۰۰ تا ۷۱۰۰۰۰۰ هزار نفر نیروی امنیتی لازم است. (۱۴.۱۰.۲۰۰۹)

از این روی از مارس ۲۰۰۹ طبق نقشه مشاورین اوباما در ۶ یا ۷ سال آینده تعداد نیروهای امنیتی به ۴۰۰۰۰۰۰ هزار نفر افزایش داده خواهند شد. (روزنامه فرانکفورتر آگماینه ۲۰.۳.۲۰۰۹). در حقیقت این خود به معنای دوبرابر شدن نیروهای امنیتی است.

میشائیل مولن از سردمداران آمریکا اواسط سال گذشته گفت "ما باید تا ۱۲ یا ۱۸ ماه آینده در افغانستان تغییرات را انجام داده باشیم. در غیر این صورت احتمالاً به هیچ راهی نخواهیم رسید". طبق این گفته و مشخصاً تا حداکثر پایان ۲۰۱۰ آمریکا باید به این تغییرات دست یابد. دقیقاً تا این تاریخ دستوری را که اوباما در دسامبر ۲۰۰۹ بعد از بحث طولانی صادر نمود باید اجرا شود و آنهم پیاده کردن ۳۰۰۰۰ سرباز در افغانستان. این مسئله باید در جون ۲۰۱۰ انجام شده باشد. اوباما بدین ترتیب تعداد سربازان ارتش آمریکا را از زمان آغاز ریاست جمهوری تا جون ۲۰۱۰ سه برابر خواهد نمود. (از ۳۲۰۰۰ سرباز به ۹۸۰۰۰ سرباز). افزون بر این ۸۰۰۰ سرباز دیگر هم از سایر کشورهای ناتو به افغانستان فرستاده خواهند شد و بدین ترتیب ۱۵۰۰۰۰ سرباز در افغانستان مستقر خواهند بود و این به معنی رنج بیشتر و خون ریزی بیشتر و در نهایت قربانیان بیشتر در افغانستان خواهد بود.

اوباما اعلام نموده است که از یولای ۲۰۱۱ به تقلیل سربازان خواهد پرداخت. در واقع این مسئله همراه خواهد بود با کارزار انتخاباتی اوباما برای انتخابات ریاست جمهوری در نوامبر ۲۰۱۲.

اینکه واقعا بیرون رفتن ارتش آمریکا از افغانستان آغاز خواهد شد یا نه، در ابتدا در دسامبر ۲۰۱۰ تصمیم گیری می شود. روبرت گاتس وزیر جنگ آمریکا گفته است "با توجه به شرایط محل مشتی سرباز از افغانستان بیرون کشیده خواهد شد". فراموش نشود که اوباما تنها آغاز بیرون رفتن ارتش را اعلام نمود و در باره سرعت بیرون رفتن و یا پایان آن چیزی نگفته است.

از یک برنامه آموزشی برای نیروهای امنیتی افغانی (ارتش و پلیس) در سخنرانی اوباما

اوائل دسامبر اثری دیده نشد اما با این وجود چند روز قبل از این سخنرانی وزیر دفاع و وزیر کشور افغانستان این قصد را تائید نمودند. طبق گفته آنها قرار است که مشخصا تعداد سربازان به ۲۴۰۰۰۰ نفر و تعداد پلیس ها به ۱۶۰۰۰۰ هزار نفر برسد. در مجموع دقیقا همان ۴۰۰۰۰۰ نفر نیروهای امنیتی می شوند که آمریکا اعلام نموده است. رئیس جمهور حامد کرزای می گوید "ما تصمیم گرفته ایم که نیروهای امنیتی افغانستان در فاصله ۵ سال آینده بطوری توانا بشوند که بتوانند امنیت تمامی کشور را تامین نمایند". این گفته دقیقا به مفهوم از پایان سال ۲۰۱۴ است.

در روزنامه فرانکفورتر آلمگماینه ۲۹ ژانویه ۲۰۱۰ آمده است که در اکتبر ۲۰۱۱ ارتش افغانستان می بایست از ۱۷۰۰۰۰ سرباز و پلیس این کشور از ۱۳۴۰۰۰ نفرتشکیل شود. که جموعا ۳۰۴۰۰۰ نفر خواهد بود. اینکه تا چه اندازه این خواست واقعی خواهد بود را در زیر تجزیه و تحلیل خواهیم نمود.

منطق ناتو

برای مبارزه با مقاومت در افغانستان تاکتیکی جدید تحت نام **Shape, Clear, Hold and Build** دنبال می شود. آنها چه تصویری دارند؟ بعد از حمله ارتش (شپ) به شورشگران حمله می شود (کلر) منظور یا طرد و یا نابود می شوند. سپس آن محیط پاکسازی شده برای همیشه اشغال می گردد (هولد) البته این کار را باید نیروهای امنیتی افغانی و بیشتر از همه پلیس

افغانستان انجام دهد بطوری که در نهایت سازندگی شروع گردد (بویلد).

آموزش ارتش افغانستان می بایست در خود افغانستان انجام پذیرد. در روزنامه فرانکفورتر آگماینه ۲۰۱۰.۰۴.۲۱ آمده است که در آینده نیروهای نظامی ناتو چون گذشته که از مقر های خود برای انجام عملیات بیرون می آمدند و بعد از چند روز به مقر های خود بر می گشتند، عمل نخواهند کرد بلکه همانطوری که ارتشی ها می گویند منطقه ای که یکبار اشغال شد برای همیشه در اشغال قرارخواهد گرفت و آنهم از طریق نیروهای امنیتی افغانستان. نیروهای ناتو امنیت خارج از مرزها را بعهد خواهد گرفت. این اتحاد در آینده به این معنی نخواهد بود که هر واحد متشکل از سه آلمانی و سه افغانی باشد بلکه مفهوم این اشتراک عمل این است که تمامی لشکر ها در کنار هم به عملیات بپردازند".

کارل تئودور وزیر دفاع آلمان در ماه فوریه قبل از تصمیم مجلس آلمان در باره تصویر این اشتراک مساعی می گوید: " این اشتراک مساعی بخصوص به این مفهوم است که حضور در افغانستان را نشان دهد و حضور در افغانستان حضوری تهاجمی نخواهد بود بلکه با آموزش و حفاظت از مردم افغانستان در رابطه است - اینکه فضای بازگشت برای طالبان را تنگ تر نمود و آنان را هر چه بیشتر از مردم ایزوله ساخت".

بعد از اوائل آپریل چهار سرباز آلمانی در یک دوره آموزشی با سربازان ارتش افغانستان بقتل رسیدند.

اوائل نوامبر ۲۰۰۹ در حدود ۳۰۰ نیروی ویژه آمریکائی و ۸۰۰ افغانی به منطقه گل تپه حمله می کنند. طبق گزارشات در ابتدا سربازان منطقه را محاصره می کنند و سپس هدفمند از طریق جت های جنگی ارتش آمریکا به بمباران منطقه می پردازند. فرماندار قندوس از بمب های بیشماری صحبت می کند که ۵ روز متوالی در ۲۴ ساعت روز پرتاب می شده اند. یک سیاستمدار محلی می گوید که بمب باران ها بسیار به مرکز شهر نزدیک بودند. بیلان این بمباران: طبق گزارش افغانها ۱۳۳ نفر از طالبان ها بقتل رسیدند. در گزارش های اولیه غیر نظامیان در میان قربانیان قرار نداشتند اما بعد گزارش

ها تغییر نمود. سایت اشپیگل در ۱۷ نوامبر ۲۰۰۹ گزارش می دهد که طبق نظر ارتش ناتو از ۱۲۵ کشته تنها ۷۵ نفر طالبان بوده اند". تا کنون کسی در باره تعداد واقعی کشته ها چیزی نگفته است.

در باره عملیات ارتش آلمان از دسامبر ۲۰۰۱ ارتش آلمان در جنگ افغانستان شرکت دارد. در ابتدا تنها در کابل و از دسامبر ۲۰۰۳ همچنین در قندوس مستقر می باشند. آنها در قندوس و در فیض آباد و مزار شریف هر کدام تیم هائی را برای بازسازی شهرستانهای افغانی تشکیل داده اند. در حال حاضر ۴۲۷۰ سرباز آلمانی در پایگاه هوایی ترمزازبکستان مستقرند و از مارس ۲۰۰۷ شش تورنادو در سرتاسر افغانستان آماده دارند. این تورنادو ها تحت رهبری فرمانده گی منطقه شمال در مساحتی که نصف مساحت آلمان را دارد در فعالیتند. از اواسط سال ۲۰۰۸ یک گروه تهاجمی سریع العمل بنام Quick Reaction Force, QRF در افغانستان مستقر شده است که شامل ۲۰۰ سرباز است و این سربازان مرتبا در منطقه شمال فرستاده می شوند.

در کنار مجموعه نیرو ۹۷۰ خودروی حفاظ دار (تانک) و ۹ تانک محافظ " مارد" و بزودی همچنین دو تانک " هایوبیتس ۲۰۰۰" و تانک ضد هوایی " تو" از سوی ارتش آلمان به افغانستان فرستاده شده است. همچنین ۱۵ هلیکوپتر مدل " کا ز او" هم در منطقه مستقرند و از اوت ۲۰۱۰ سه هلیکوپتر مدل " هرون ۱" به افغانستان فرستاده می شود.

همچنین همین اخیرا گوتنبرگ اعلام نمود که بزودی ۱۵ هلیکوپتر " مارد" دیگر در شمال افغانستان به فعالیت می پردازند. هلیکوپتر های " هایوبیتز" می بایست مستقیما برای ترساندن شورشگران بکار گرفته شود. تانک های حامل موشک های ضد تانک برای از بین بردن تانک ها بکار گرفته نمی شوند زیرا شورشگران فاقد تانک می باشند بلکه این تانک ها بر علیه افراد یا گروه های کوچک مسلح بکار گرفته می شوند.

هزینه رسمی تجهیزات ارتش آلمان برای افغانستان آنچنان دراماتیک افزایش یافته است که همین امسال به بیش از یک میلیارد یورو رسیده است. حضور ارتش آلمان در افغانستان از سوی اکثریتی از مردم آلمان پذیرفته نشده است. از اوائل دسامبر

طبق همه بررسی که شده است و از کانال یک تلویزیون آلمان پخش گردیده است ۷۰٪ مردم برای خروج فوری ارتش از افغانستان نظر داده اند. در اواسط آپریل تنها ۲۶ درصد مردم آلمان خواهان ماندن ارتش در افغانستان بوده اند. بنابراین دولت آلمان بر خلاف خواست مردمش در افغانستان حضور دارد.

حتی فرمول خیلی رضایت بخش دولت آلمان مبنی بر اینکه مسئولیت را به افغانها می سپارند در عقیده مردم آلمان تائیری نگذاشت. وزیر امور خارجه گوئید و ستروله در تاریخ ۳ دسامبر سال گذشته در جلسه مجلس آلمان گفت که دولت آلمان روی چشم انداز عقب نشینی از افغانستان متمرکز است. وی از این حرکت می کند که تا پایان سال ۲۰۱۱ بیرون کشیدن سربازان ارتش آلمان از افغانستان آغاز خواهد شد. حال به ارتش افغانستان می پردازیم. اواسط آپریل می بایست ارتش ملی افغانستان طبق اطلاعات ناتو متشکل از ۱۱۳۰۰۰ سرباز شده باشد. تا اکتبر ۲۰۱۱ می بایست این آمار به ۱۷۱۶۰۰ برسد. (۵۸۶۰۰ بیشتر) آیا این مسئله امکان پذیر است؟ اگر ما به تعداد کسانی که در ماه های گذشته آموزش داده شده اند توجه کنیم می بینیم که این مسئله می تواند امکان پذیر باشد.

سازماندهی نیروهای امنیتی افغانی وظیفه ای بسیار بزرگ است. روزنامه فرانکفورتر آگماینه در ۱۶ فوریه ۲۰۱۰ از یک افسر آلمانی نقل قول می کند که می گوید: "مرتبا این مسئله پیش می آید که وابستگان ارتش افغانستان برای روزها یا هفته ها گم می شوند. این مسئله بیشتر در تابستان که فصل برداشت محصولات کشاورزی است اتفاق می افتد. درجه عدم حضور وابستگان ارتش تا ۴۰ درصد هم بالا می رود.

جالب توجه نظر فرمانده کل ارتش پاکستان است که بنظرش ایجاد چنین ارتشی با این بعد کاملاً غیر ممکن می باشد و بنظر وی یک چنین ارتش بزرگ و همه جانبه ای تنها نیاز به آموزش ندارد بلکه باید از افسران با تجربه هم برخوردار باشد. یک ساختار رهبری خوب از کلاه سحر آمیز بیرون نمی آید. از این روی بنظر او تصور سپردن مسئولیت ها بر گردن

نیروهای امنیتی افغانستان تصویری از روی زیاده خواهی است.